
سفر نامہ مهندس عبداللہ

بہ کوشش

دکتر سیروس آربن پور



فهرست

۹	مقدمه
۱۵	در بیان سبب نگارش این اوراق
۲۶	طول بلد
۲۶	عرض بلد
۲۶	نطق
۲۷	سرگذشت
۳۰	راهنامه و وضع طبیعی راه
۳۳	ملاحظه جغرافیایی و تاریخی و تحقیق تحقیقی شهر قزوین
۳۶	بناهای معروفه این شهر
۳۹	وضع حکومتی قزوین
۴۲	راهنامه و ملاحظات طبیعی راه
۴۳	راهنامه و بیان حال
۴۵	ملاحظه تاریخی و جغرافیایی ابهر
۴۵	ملاحظه تاریخی و جغرافیایی ابهر
۴۶	بیان حال و راهنامه
۵۷	ملاحظات تاریخی و جغرافیایی و تحقیقی زنجان
۵۸	تحقیقات در ابنیه معروفه و اشخاص معروف و سایر متعلقات آن
۶۱	ملاحظات حکومتی زنجان
۶۴	ملاحظات وضع طبیعی راه
۶۵	تحقیقات
۶۵	ملاحظات راه

۷۳	ملاحظات طبیعی و تاریخی آب قزل اوزن
۸۱	ملاحظات تاریخی و جغرافیایی و تحقیقی میانج
۸۷	بیان حال و سرگذشت احوال
۹۰	نطق و بیان خارج از مانحن فیه
۹۸	راهنامه و ملاحظات طبیعی راه
۱۰۱	بیان حال
۱۰۴	راهنامه و ملاحظات جغرافیایی و طبیعی راه
۱۰۹	بیان حال
۱۱۱	راهنامه و بیان جغرافیایی راه
۱۱۶	بیان حال
۱۱۹	در بیان شرح تاریخی و جغرافیایی و تحقیق شهر تبریز
۱۳۱	تحقیق در باب لسان اهل آذربایجان
۱۳۳	در بیان جغرافیایی و تحقیقی حالیه شهر تبریز
۱۴۳	ملاحظات حکومتی
۱۴۶	وضع و ملاحظات حکومتی
۱۴۸	بیان حال به طریق اجمال
۱۵۳	بیان جغرافیایی و راهنامه
۱۵۷	بیان تاریخی و جغرافیایی مرنده
۱۶۷	بیان حال
۱۸۴	راهنامه و بیان جغرافیایی راه
۱۸۷	در بیان رود ارس
۱۸۹	در ختم این اوراق، و بیان مختصری از جغرافیای کلیه حدود به نحو اختصار و شرح اجمالی تاریخی آذربایجان و وجسه تسمیه آن

مقدمه

در یکی از صفحات کمتر افتخارآمیز تاریخ معاصر ما آورده اند که: در سال ۱۳۱۷ هـ ق، مظفرالدین شاه قاجار به فکر می افتد به فرنگستان سفر کند، جاذبه های سحرآمیز آن او را به خود خوانده بود. ولی خزانه خالی بود. سال موش بود. سیچقان نیل. سال قحط و بر باد رفتن سرمایه ها و عسرت و نکبت فزاینده! صدراعظم وقت، امین السلطان، برای تدارک سفر شاه، از بانک شاهنشاهی ایران که انگلیسی ها تأسیس کرده بودند و خود آن را اداره می کردند، درخواست وام کرد. بانک به این درخواست جواب رد داد. شاه او را عزل کرد و میرزا علی خان امین الدوله را به جای او نشانند ولی امین الدوله با سفر شاه موافق نبود. شاه برکنارش کرد و امین السلطان را از قم به تهران فراخواند و بار دیگر به مقام صدر اعظمی برگمارد. امین السلطان، از بانک استقراضی ایران، که سهامدار آن دولت روسیه بود، بیست و دو و نیم میلیون منات طلا، (برابر با سه میلیون و چهارصد و سی و نه هزار لیره انگلیسی) با بهره ۵ درصد و ضمانت بازپرداخت وام از محل عواید گمرکات ایران، به استثنای فارس و بنادر جنوب وام گرفت و به این ترتیب هزینه های مسافرت شاه تأمین گردید و اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری عازم سفر خیریت اثر فرنگستان شد.

سفرنامه ای که به دست دارید، نوشته عبدالله مهندس نظامی و شهری است، که پیش از حرکت مظفرالدین شاه به سوی فرنگ، به دستور شاه و با حکم امین السلطان، مأمور شده بود بروود «برای ساختن پل فوری قزل اوزن و سایر پل های کوچک عرض راه آذربایجان و رفع معایب و موانع عبور

عرب‌های اردوی کیوان شکوه در آن سامان.»

وزیر وقت علوم، ضمن ابلاغ کردن حکم این مأموریت به عبدالله مهندس از او خواهش می‌کند که «سبک و شیوه مخصوص همیشگی خود را از دست نداده و روزنامه مخصوص مسافرت خود را با نقشه کامل آن تهیه ببیند، که علاوه بر ضمیمه شدن به سفرنامه اقدس همایونی، در کتابخانه جات دولتی ضبط شده و یک زمانی منتج به نتایج بزرگ و نیکنمایی سترگ برای وی خواهد بود.» مهندس عبدالله، مأموریت خود را در انجام «تکالیف مهندسی» اش در ۲۱ ذی‌القعده آغاز می‌کند و در ۱۸ محرم سال بعد به پایان می‌برد و به مقتضای قوی که به وزیر علوم داده بود، کار پرزحمت سفرنامه‌نویسی و برداشتن نقشه راه را نیز به انجام می‌رساند. این سفرنامه و نقشه پیوست آن، ره‌آورد سفر پنجاه و هفت روزه اوست از دارالخلافه تهران تا کناره رود ارس.

متن مخطوط، کتابچه‌ای است هفتاد و پنج برگ، با کاغذ فرنگی، در ابعاد بیست در دوازده و نیم سانتی‌متر، که بر دو روی هر برگ در یکصد و پنجاه صفحه قلمی شده است، با جلد مقوایی قرمز آخری و عطف چرمی زرد رنگ. نه صفحه از متن به طرح‌هایی مزین است که مؤلف از گنبد سلطانیه و پل قزل‌اوزن و سایر ابنیه و آثاری که در مسیر نظرش را گرفته، با قلم سیاه کشیده است.

این طرح‌ها و نقشه رنگی پیوست به سفرنامه که از «خط حرکت اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری» ترسیم کرده است، بر تک نسخه بودن متن گواهی می‌دهند. ابعاد نقشه شصت و یک در هشتاد و هفت سانتی‌متر است و در بیست و یک قطعه جداگانه ترسیم و سپس روی پارچه به هم چسبانیده شده است. به نظر فرزانه هنرمند و هنرشناس هم‌روزگار ما آیدین آغداشلو «نقشه در حد بالای نقشه‌های ترسیم‌شده زمان مظفردالدین شاه قاجار است» و نقاشی‌ها کار کسی است که در طراحی دستی به قلم دارد ولی نقاش حرفه‌ای نیست» «گزارش با خط نستعلیق پخته و خوشی نوشته شده است، نوع خطی است که اشراف و نخبگان دوره قاجار در همین حد می‌نوشتند، اما کار یک خوش‌نویس حرفه‌ای نیست.»

مهندس عبدالله، از نخبگان و اعیان‌زاده‌های آن عصر است. پدرش در عهد ناصری در حکومت اسدالله خان، خالوی شاه شهید (در مازندران شاید؟) مقام وزارت داشته، مادرش علی‌آبادی بوده (شاهی بعدی و قائم‌شهر امروز) و خودش به احتمالی زاده و پرورده منطقه مرکزی ایران است که آن روزها عراق و یا جبال خوانده می‌شد و تهران نیز در آن جاست.

وی هنگام عزیمت به آذربایجان، نزدیک به پنجاه سال از عمر شریف‌اش می‌گذشته، و تصریح دارد که از بیست و هفت سال پیش از آن به خدمتگزاری دولت و «نوگری دیوان» اشتغال داشته است. «و در این مدت بیست و هفت سال در تمام نقاط ایران، به جز آذربایجان قدم زده و مأموریت حاصل کرده و با حکام بزرگ و کوچک مأموس و محشور بوده» است و از جمله یک سال و نیم در خدمت ظل‌السلطان در اصفهان گذرانده و در طول مدت نوگری دیوان «تمام در سرحدات و داخله مملکت مشغول خدمت بوده» و از آن وقت تا به حال نشده است که سه ماه متوالی در خانه خود بماند.

این مرد بزرگوار که از نخستین نمونه‌های «کارمندی» و «مستخدمی» دولت در نظام اداری ایران در عصر جدید است، بنا بر حدس فاضل ارجمند، استاد ایرج افشار «به مانند مهندس حاجی محمد میرزا قاجار، مهندس ذوالفقارخان کرمانی، مهندس سلیمان‌خان، مهندس بغایری و نظایر آنان که با نقشه‌کشی و مهندسی نظامی آشنایی داشته‌اند از تحصیل‌کردگان دارالفنون است.»

دوره مهندسی نظامی و شهری در دارالفنون شش سال بود و شاگردان در سال سوم و چهارم نقشه‌کشی می‌آموختند.

مهندس عبدالله (یا آن‌طور که رسم قدیم بود و عنوان اشخاص را به دنبال نامشان ذکر می‌کردند، عبدالله مهندس) پس از پایان تحصیل به خدمت دولت درمی‌آید و در کار خود کسب شهرت و اعتبار می‌کند و به عنوان مهندسی کارآزموده، در بین خواص زبانزد بوده. وی سوای توانایی حرفه‌ای، به جهت برخی از قابلیت‌های فردی از نوادر آن عصر و از نخبگان متجدد روزگار خویش است. تحصیل‌کرده دارالفنون است، فرهنگ دیده است و در سفر سوم ناصرالدین‌شاه جزو همراهان او بوده، یک زبان خارجی می‌داند، عربیت و